

دانشگاه‌های سودان، بین غربی شدن دانشجویان و اندیشه‌های اسلام!

(ترجمه)

وقتی از نظام حکومتی در اسلام (خلافت) در دانشگاه‌های سودان در عرصه مبارزه ایدیولوژیک دانشگاهی مناقشه و صحبت می‌شود، پیرامون ایده تفکیک قوا مکرر سوال می‌شود که آیا تفکیک قوای سه‌گانه (قضائیه، مقننه و مجریه) در دولت خلافت مطرح است یا خیر؟!

این سؤال بیانگر آنست که تحصیل جوانان مسلمان در دانشگاه‌ها مبتنی بر اسلام نیست، بلکه مبتنی بر تفکر سکولار غربی است. این سیاستی است که غرب کافر در مبارزه با اسلام دنبال می‌کند و دروازهٔ تعلیم را دربان شده است. در دایرة المعارف ادیان چنین تذکر بعمل آمده که: «منهج تعلیمی از سلسله برنامه‌های توافقی است که دشمنان اسلام در جنگ با اسلام دنبال کرده اند.»

برخی از مبلغان مسیحی می‌گویند: «اهداف مدارس و دانشکده‌های تحت نظارت مبلغان مسیحی، در همه کشورها همیشه یکسان بوده است. مدارس و دانشکده‌ها در درجه اول ابزاری برای یادگیری و آموزش از کتب غربی محسوب می‌شوند، که توسط معلمان غربی دیدگاه‌های مسیحیت را با خود حمل می‌کنند.»

هنری هریس JSP مبلغ مسیحی می‌گوید: «تحصیل در مأموریت‌های تبلیغی تنها وسیله‌ای برای رسیدن به هدف است، یعنی قیادت و آموزش مردم تا آنگاه که به افراد مسیحی و ملت‌های مسیحی مبدل شوند.» برخی دیگر از مبلغان مسیحی می‌گویند: «مدارس از هر نیروی دیگری قدرت‌مندتر هستند تا جوانان را تحت تأثیر آموزش و پرورش قرار دهند و این نفوذ همچنان شامل کسانی می‌شود که روزی در سرزمین‌های شان رهبر خواهند شد.»

مبلغ تکلی می‌گوید: «باید به تأسیس مدارس به سبک سکولار غربی تشویق کنیم، زیرا مسلمانان با مطالعه کتاب‌های درسی غربی و یادگیری زبان‌های خارجی، اعتقاد خود را نسبت به اسلام و قرآن متزلزل کرده اند.»

ساموئل زومر می‌گوید: «تا زمانی‌که مسلمانان از مدارس مسیحی بیگانه هستند، باید برای آن‌ها مدارس سکولار ایجاد کنیم و ثبت‌نام شان را در آنها تسهیل کنیم و این به ما کمک می‌کند تا روحیه اسلامی را در بین دانشجویان از بین ببریم. این موضوع و موارد مشابه به آن، سبب شده تا دانشجویان جوان پیرامون قوای سه‌گانه که یکی از الزامات نظام جمهوری دموکراتیک است، بپرسند. از آنجا که جمهوری کلمه‌ی لاتین با دو هجا، Re به معنای شی و public به معنای عمومی است. بنابراین، این، معنای آن (چیز عام) می‌شود، یعنی جمهوری نوعی از حکومت‌داری نزدیک به دموکراسی است که مبتنی بر مشارکت همه مردم، آزادی در انتخاب حکامش و همچنین مشارکت گسترده آن در زندگی سیاسی، اقتصادی و اجتماعی می‌باشد. جمهوری در شهرهای یونان باستان که بیانگر اراده عمومی مردم بود، در زمانی به وجود آمد که سلطنت حاکم بود.»

اصل تفکیک قوای سه‌گانه توسط دانشمند فرانسوی، مونتسکیو در سال 1748م در کتاب "روح قوانین" تبلور یافت و تحت تأثیر کتاب "قرار داد اجتماعی" ژان ژاک روسو قرار گرفت، زیرا نظام‌های سیاسی در اروپا تا آن زمان به ترکیب قوای سه‌گانه در شخص حاکم متکی و وابسته بود و یا به گونه واضح‌تر؛ این قوای سه‌گانه به گونه‌ای باهم تداخل دارند که عملکرد دولت را مختل می‌کند و منجر به مسلط شدن حاکم و پناه بردگانش بالای مردم و داری‌های شان می‌گردد. این همان چیزی است که در تمام دانشگاه‌های سودان که علوم سیاسی تدریس می‌شود، تدریس می‌گردد. بنابراین، این سؤال ناشی از دیدگاه غربی نسبت به نظام‌های حکومتی است.

این در حالی‌ست که نظام حکومتی در اسلام (خلافت) دارای نهادهای دولتی می‌باشد که بر آن استوار است و حزب التحریر آن را در کتاب "نهادهای دولت خلافت در حکومت و اداره" توضیح داده است و برخی از موارد آن قرار ذیل است:

اول: نظام حکومتی در اسلام که پروردگار جهانیان آن را بیان کرده نظام خلافت راشد است که در آن، خلیفه با بیعت کردن با کتاب الله و سنت رسولش تعیین می‌شود و بر این امر دلایل و شواهد فراوانی از کتاب، سنت و اجماع صحابه وجود دارد.

دوم: شکل نظام حکومتی در اسلام (خلافت)، با تمام اشکال حکومتی که در دنیا شناخته شده چه از لحاظ اصل و چه از لحاظ اندیشه‌ها، مفاهیم و ارزش‌هایی که بر آن مبتنی است و چه از لحاظ دستور و قوانین که تطبیق و تنفیذ می‌کند، متفاوت است. بنابر این، نظام حکومت‌داری در اسلام (خلافت) نه سلطنتی است، نه دموکراسی، نه جمهوری و نه هم امپراطوری. نظام حکومتی اسلام به هیچ وجه شبیه به این نظام‌های بشری نیست که چنین سؤالی (تفکیک قوای سه‌گانه) مطرح شود.

سوم: دستگاه‌ها و نهادهای حکومت خلافت با نهادهای حکومتی شناخته شده امروزه تفاوت دارد، هر چند در برخی از جهات مظاهرشان شبیه به هم باشند. دستگاه‌های دولت خلافت برگرفته از دستگاه‌های است که رسول الله بعد از هجرت شان به مدینه منوره و بعد از تأسیس دولت در آنجا ایجاد کردند و خلفاء هدایت شده وی از او متابعت و پیروی کردند. با استناد به نصوص موجود در باره آن واضح می‌شود که دستگاه‌های دولت خلافت در حکومت و اداره به شرح زیر می‌باشد:

خلیفه، کسی است که نماینده امت در حکومت بوده و تطبیق شریعت الله سبحانه و تعالی به وی سپرده شده است - معاونان (وزراء) - معاون اجرایی - والیان - امیرجهاد (ارتش) - امنیت داخلی - امور خارجه - صنعت - قوه قضائیه - مصالح مردم - بیت المال - رسانه‌ها - مجلس امت (شورا و محاسبه). جزئیات این دستگاه‌ها در کتاب فوق ذکر شده است و مسلمانان مخصوصاً دانشجویان دانشگاه‌ها باید نظام‌ها و دستگاه‌های حکومتی شان را از منبع ویژه و مخصوص شان که رسول الله بجای گذاشته و بدان سفارش نموده است، اخذ نمایند، چنان‌که در حدیث روایت شده از عرباض این چیز واضح و آشکار است:

«صَلَّى بِنَا رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ذَاتَ يَوْمٍ، ثُمَّ أَقْبَلَ عَلَيْنَا، فَوَعظَنَا موعظةً بليغةً، ذرفت منها العيون، ووجلت منها القلوبُ . فقال قائلٌ : يا رسولَ الله ! كأن هذه موعظةٌ مودعٌ، فماذا تعهد إلينا ؟ فقال : أوصيكم بتقوى الله والسمع والطاعة وإن عبداً حبشياً، فإنه من يعش منكم بعدى فسيروى اختلافاً كثيراً، فعليكم بسنتي وسنة الخلفاء المهديين الراشدين تمسكوا بها، وعضوا عليها بالنواجذ، وإياكم ومحدثات الأمور فإن كلَّ محدثة بدعةٌ، وكلَّ بدعة ضلالةٌ» (ابوداود و الترمذی)

ترجمه: از عرباض بن ساریه روایت شده که روزی رسول الله بر ما نماز گذارد، سپس به موعظه ما پرداخت، آن چنان موعظه‌ای که دیدگان اشکبار شده و دل‌ها لرزان. در این هنگام گوینده‌ای گفت: ای رسول الله! گویا این موعظه وداع است، پس ما را به چه وصیتی می‌کنی؟ پس گفت: شما را به تقوای الهی و اطاعت و فرمانبرداری [از امیران و حاکم] سفارش می‌کنم، هر چند [آن امیر و حاکم]، غلام حبشی باشد؛ زیرا افرادی از شما که بعد از من در قید حیات باشند، اختلافات زیادی را خواهند دید، پس [در آن وقت] بر شما لازم است که به روش من و روش جانشینان راشد و هدایت‌یافته من چنگ زنید و با دندان‌های‌تان سنت‌های مرا محکم بگیرید و بترسید و دور باشید از بدعت‌ها و چیزهای نوپیدا شده در دین؛ چرا که هر چیز نوپدایی در دین، بدعت به شمار می‌آید، و هر بدعتی نیز گمراهی است.

از الله سبحانه و تعالی می‌خواهیم که ما را به نصرت خود گرامی بدارد و در إقامة خلافت راشد دوم بر منهج نبوت توفیق دهد! بدین گونه، اسلام و مسلمانان را عزت بخشد و کفر و کافران را خوار و ذلیل گرداند و خوبی و خیر را در سراسر جهان منتشر سازد!

﴿إِنَّ اللَّهَ بَلَّغَ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا﴾ [طلاق: 3]

ترجمه: الله فرمان خود را به انجام می‌رساند و هر چه را بخواهد بدان دسترسی پیدا می‌کند، الله به هر چیزی زمان و اندازه‌ای را قرار داده است.

نویسنده: استاد فاطم عبدالله - دانشگاه النيلین سوودان

مترجم: محمد مزمل